

## مقالات برگزیده‌ی سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران، بهار ۱۳۹۷

با همکاری:

کرسی یونسکو در سلامت اجتماعی و توسعه‌ی دانشگاه تهران، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن انسان‌شناسی ایران، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، مؤسسه‌ی علمی آموزشی مبتکران، مؤسسه‌ی مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پردیس البرز دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات کنترل دخانیات جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ایران، مؤسسه‌ی رحمان، شهرداری تهران، شورای اسلامی شهر تهران، وزارت کشور، سازمان امور اجتماعی کشور، مؤسسه‌ی پژوهش توسعه‌ی اجتماعی آفرینش، مؤسسه‌ی مطالعات دین و اقتصاد

جلد یکم:

---

---

# آسیب‌های زنان و خانواده

---

---



انجمن جامعه‌شناسی ایران،

مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران



## فهرست

- مقدمه ۹
- فصل یکم: بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با سلامت روان زنان متقاضی طلاق؛ مطالعه‌ی مراجعه‌کنندگان به مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی شیراز  
مجتبی بخشنده، خدیجه رضوی‌نژاد  
و طاهره فیلی‌زاده ۱۷
- فصل دوم: آسیب‌های اجتماعی ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار  
زهرا محمدی ۳۱
- فصل سوم: رابطه‌ی پذیرش شاخصه‌های نظام مردسالاری با پذیرش تبعیض جنسیتی و خشونت خانوادگی (همسرآزاری)  
تجربه‌شده بین دانشجویان زن دانشگاه علمی‌کاربردی بهزیستی تبریز  
داوود ابراهیم‌پور، یعقوب زارعی  
سمیرا خندان، رباب قصابی و مجید ابراهیمی‌ثانی ۵۵
- فصل چهارم: مطالعه‌ی نوع و میزان خشونت خانگی تجربه‌شده میان زنان متأهل شهر زابل  
مسعود گلچین و سعید جان‌آبادی ۷۷
- فصل پنجم: بررسی عوامل مؤثر بر همسرآزاری در شهر تهران (سال ۱۳۹۵)  
سلمان قادری، آمنه سماوات و زهرا جبرایی ۱۰۹
- فصل ششم: ارائه‌ی یک تیپولوژی از طلاق عاطفی  
شهره روشنی و سوسن باستانی ۱۲۱

فصل هفتم: جنسیت و تجربه‌ی طلاق: مطالعه‌ای کیفی

۱۴۳ یوسف کریمی و رزگار محمدی

فصل هشتم: کار احساسی به‌منزله راه مقابله با خشونت عاطفی؛

مطالعه‌ی تجربه‌ی زنان شهر مشهد از خشونت عاطفی

بر اساس نظریات جامعه‌شناسی احساس

۱۶۹ زهره عزیزآبادی

فصل نهم: تجربه‌ی زیسته‌ی کودکان از خشونت خانوادگی:

مطالعه‌ای کیفی

۱۸۵ زهرا صمدنژاد آذر و جعفر زلفعلی‌فام

### مقدمه

جامعه بستر و زمینه‌ساز شکل‌گیری تغییرات و تحولات اجتماعی است و نوع مواجهه و سامان‌بخشیدن به آن نشان‌دهنده‌ی میزان کارایی آن جامعه و نهادهای آن است. تغییرات اجتماعی (به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر جامعه) لزوماً نشانه‌ی پیشرفت یا پسرفت در حیات جمعی شهروندان نیست، بلکه اثربخشی مفید یا عدم اثربخشی نشانگان اصلی نظم، همبستگی، پیشرفت و توسعه خواهد بود. از طرفی، الگوی عمل و نظام‌هنجاری پذیرفته‌شده‌ی افراد و گروه‌های اجتماعی ارتباطی گسست‌ناپذیر با راست‌کارکردها و کژکارکردها دارد و اهمیت و نقش سیاست‌گذاری اجتماعی را، اعم از حاکمیتی و عرصه‌ی عمومی، نمایان می‌کند. تجارب تاریخی و اجتماعی نشان می‌دهد هرچه تغییرات اجتماعی و الگوهای کنش جمعی برگرفته از نظام ارزشی مقبول و برخاسته از جوشش‌هنجاری در بطن و متن جامعه و در قالب عرصه‌ی عمومی باشد و در روندی تدریجی با «تجربه‌ی زیستگی جمعی» شکل گرفته باشد، امید به ماندگاری این الگوها بیش‌تر می‌شود و می‌توان امید داشت که کژکارکردها و ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یابد.

بی‌توجهی به قاعده‌ی پیش‌گفته و اشتیاق و شتاب عرصه‌های حاکمیتی در به‌انقیادکشیدن و بلعیدن عرصه‌ی عمومی و هنجارهای تجربه‌شده‌ی آن هندسه‌ی ناموزونی را شکل می‌دهد که حاصلی جز تغییرات اجتماعی عمودی، دستوری و بخشنامه‌ای ندارد و اغلب نیز نگاه‌های خاص‌گرایانه غلبه می‌یابد و نظام

## فصل یکم



### بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با سلامت روان زنان متقاضی طلاق

مطالعه‌ی مراجعه‌کنندگان به مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی شیراز

\*  
مجتبی بخشنده، \* خدیجه رضوی نژاد  
\*  
و طاهره فیلی زاده

### چکیده

سلامت روان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقا و تکامل انسان است. سازمان بهداشت جهانی سلامت روانی را توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی تعریف می‌کند و آن را قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل منطقی تضادها و تمایلات شخصی در نظر می‌گیرد. در میان داشتن سرمایه اجتماعی در میان زنان، که از قربانیان افزایش طلاق در خانواده‌ها هستند، می‌تواند بر سطح سلامت روان این افراد تأثیر بگذارد. از این رو این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با سلامت روان زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی شیراز انجام شده است. روش پژوهش تحقیق کمی و

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

\* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناس مرکز تخصصی اورژانس اجتماعی

بهزیستی شیراز. \* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی و

روان‌شناس مرکز تخصصی اورژانس اجتماعی بهزیستی شیراز.

جامعه‌ی آماری همه‌ی زنان مراجعه‌کننده به مرکز یادشده در شش ماهه‌ی دوم سال ۱۳۹۲ است. از این میان ۱۰۰ نفر بر اساس روش نمونه‌گیری کل به‌عنوان جمعیت نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش دو پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته درباره‌ی سرمایه اجتماعی و سلامت روان است که هر دو اعتبار صوری دارند و پایایی آن‌ها با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. این ضریب برای پرسش‌نامه‌ی سرمایه اجتماعی ۰/۸۱ و برای پرسش‌نامه‌ی سلامت روان ۰/۷۸ است. بر اساس یافته‌های این پژوهش میان خرده‌مقیاس‌های بعد ساختاری سرمایه اجتماعی و خرده‌مقیاس‌های بعد شناختی سرمایه اجتماعی با سلامت روان زنان متقاضی طلاق رابطه‌ی معنادار مستقیم و مثبتی وجود دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، بعد شناختی، بعد ساختاری، طلاق، شیراز

### مقدمه

در دهه‌های پایانی هزاره‌ی دوم و به دنبال طرح موضوع توسعه‌ی پایدار، با تأکید بر توسعه‌ی اجتماعی، مفهوم سرمایه اجتماعی بیش‌ازپیش در مرکز تأمل قرار گرفت (Halpern, 2001) با آغاز هزاره‌ی سوم توجه به جایگاه و نقش سرمایه اجتماعی تداوم یافت، تا جایی که امروزه با حجم قابل توجهی از منابع و متون مرتبط با سرمایه اجتماعی سروکار داریم (Beugelsdijk & Schaik, 2005). در حوزه‌ی سرمایه اجتماعی مباحث محیط اجتماعی، پایداری و سلامتی همواره مورد کنکاش قرار گرفته‌اند (Nogueira, 2009). امروزه بخش وسیعی از مطالعات جامعه‌شناسی پزشکی و سلامت اجتماعی به بررسی موضوعات مربوط به سلامتی و بهداشت روانی اختصاص یافته است. توجه به این حوزه‌ی مطالعاتی از این لحاظ اهمیت دارد که هزینه‌های اجتماعی بیماری‌های روانی بر عملکرد فرد تأثیرگذار است و زندگی فردی و اجتماعی را مختل می‌کند.

در این پژوهش از نظریه آپهوف برای تنظیم چارچوب نظری تحقیق بهره جسته‌ایم. آپهوف معتقد است که برای ساختن چارچوبی مفهومی از سرمایه اجتماعی می‌بایست سرمایه اجتماعی را به دو طبقه‌ی مرتبط به هم از پدیده‌ها تقسیم کرد: بُعد ساختاری و بعد شناختی سرمایه اجتماعی. او سرمایه اجتماعی

در شکل ساختاری‌اش را با شکل‌های گوناگون سازمان اجتماعی پیوند می‌زند، مواردی مانند نقش‌ها، قواعد، روش‌های قبلی یا رسوم و رویه‌ها و دامنه‌ی وسیعی از شبکه‌هایی که به همکاری یا تعاون و خصوصاً کنش جمعی دوطرفه‌ی سودمند کمک می‌کنند. طبقه‌بندی شناختی مشتق‌شده از فرایندهای ذهنی نتیجه‌ی ایده‌ها و عقایدی است که به‌وسیله‌ی فرهنگ و ایدئولوژی تقویت می‌شود، یعنی هنجارها، نگرش‌ها و باورهایی که به رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون کمک می‌کند (Uphoff, 2000). عناصر سازمان اجتماعی، در طبقه‌بندی ساختاری، کنش دوطرفه‌ی سودمند را به لحاظ کاهش هزینه‌ها و به‌وجودآوردن الگوهای کنش متقابلی که نتایج مفید و مؤثری را به‌واسطه‌ی همکاری به وجود می‌آورند تسهیل می‌کند. ایده‌های ناشی از طبقه‌بندی شناختی زمینه‌ی لازم را برای کنش دوطرفه‌ی سودمند را برای مردم فراهم می‌آورد. هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای سازنده‌ی سرمایه اجتماعی-شناختی مواردی است که رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون را منطقی و قابل احترام تلقی می‌کند (Ibid.).

نکته‌ی دیگری که آپهوف در این باره مطرح می‌کند، بیرونی و قابل مشاهده بودن سرمایه اجتماعی ساختاری و درونی و غیرقابل مشاهده بودن سرمایه اجتماعی شناختی است. اما هر دو قلمرو در عمل به هم متصل‌اند. سازمان‌های رسمی و غیررسمی و کنش‌های متقابل، همراه با هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای مشترک یک جمعیت می‌تواند مقوم نتایج باشد.

آپهوف این نوع از مفهومی‌کردن سرمایه اجتماعی را همسو با ایده‌های کلمن و پوتنام می‌داند. آن‌ها در تعریف و تحلیل‌شان از سرمایه اجتماعی بر عناصر ساختی و شناختی تأکید داشته‌اند، اما سرمایه اجتماعی را بیش‌تر به‌صورت توصیفی به کار گرفته‌اند تا تحلیلی. آپهوف می‌گوید این هر دو طبقه‌بندی از سرمایه اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته است، به‌گونه‌ای که هر کدام از اشکال (ساختاری-شناختی) به یکدیگر کمک می‌کنند. هر دو آن‌ها از طریق مکانیسم انتظارات بر رفتار تأثیر می‌گذارد. هر دو دسته از پدیده‌ها با تجارب شرطی‌شده، فرهنگ و یا تفکر غالب یک دوره و دیگر عوامل تأثیرگذار تقویت می‌شود (همان) (جدول ۱).

## جدول ۱. شکل‌های ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی

حوزه‌ها	ساختاری	شناختی
منابع و ظهور قلمرو	نقش‌ها و قواعد؛ شبکه‌ها و دیگر روابط بین شخصی؛ شیوه‌ها و رسوم	هنجارها؛ ارزش‌ها؛ نگرش‌ها و باورها
عوامل پویا	روابط افقی؛ روابط عمودی	فرهنگ مدنی
عناصر مشترک	انتظاراتی که افراد را به سوی رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون ترغیب می‌کند و به‌وجودآورنده‌ی منافع دوطرفه است	اعتماد/انسجام تعاون/اخیرخواهی

Source: Uphoff, 2000

توکل و مقصودی با تلفیق تنوری جیمز کلمن و نان لین به شش نوع سرمایه اجتماعی رسیده‌اند که مستقیم یا غیرمستقیم بر سلامت روان تأثیر دارد: ۱. سرمایه درون‌گروهی ساختاری: مدت‌زمان و تکرر روابط صمیمانه در گروه‌های کوچک؛ ۲. سرمایه برون‌گروهی ساختاری: میزان ارتباط با خویشان و دوستان؛ ۳. سرمایه نهادی ساختاری: میزان عضویت فرد در انجمن‌های داوطلبانه؛ ۴. سرمایه درون‌گروهی شناختی: اعتماد، تعهد و مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر درون گروه‌های کوچک؛ ۵. سرمایه برون‌گروهی شناختی: میزان حمایت اجتماعی از طرف دوستان و خویشاوندان؛ ۶. سرمایه نهادی شناختی: اعتماد به مشاغل و مؤسسات دولتی و عموم مردم (توکل و مقصودی، ۱۳۹۰).

## مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

چهار مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی، پیوند و تعاملات اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است که در یک رابطه‌ی متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده‌ی دیگری است. توجه به انسجام اجتماعی در آثار پیشکسوتان علوم اجتماعی چون دورکیم و تونیس جایگاه ویژه‌ای دارد. زتومکا نیز معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی ایده‌ی جدیدی نیست، بلکه یک جریان فکری چندقرنی است. به نظر میجلی مشارکت اجتماعی موضوعی کاملاً آیدنولوژیکی و بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در این باره است که جوامع چگونه باید سازمان‌دهی شوند (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳).

## اعتماد اجتماعی

اعتماد اولین بخش سرمایه اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. اعتماد ارتباط تنگاتنگی با ارتباط تعمیم‌یافته دارد و به‌طور کلی شاخص بسیار مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل است (موسوی، ۱۳۸۵). نظریه‌پردازانی مانند گیدنز بین انواع اعتماد نیز تمایز قائل می‌شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی اعتماد انتزاعی دربرگیرنده‌ی آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است (Luhmann, 1988، نقل از همان). برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، سنجش اعتماد به نهادهای مختلف اجتماعی ضروری است. در فرایند توسعه‌ی اجتماعی میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیش‌تر می‌شود، بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد. از این رو آیزنشتات متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله‌ی نظم اجتماعی در اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی پایداری نظم اجتماعی غیرممکن است (چلبی، ۱۳۸۵).

## انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی در یک حوزه‌ی تعاملی معین شکل و معنا می‌یابد. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید عاطفه‌ی جمعی می‌نامد. از نظر او، عاطفه‌ی جمعی عمیق اغلب طی مناسک جمعی به وجود می‌آید و موجب افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی می‌شود (همان).

## مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی شامل انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری بر امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح شود:

۱. بُعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی در نتیجه ایجاد اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در افراد می‌شود؛